

دکتر باقرپور کاشانی

بیان قرآن در مورد توقف کردن  
در اموری که علم بدان ندارید

## بیان قرآن در مورد توقف کردن در اموری که علم بدان ندارید

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾؛ (اسراء/۳۶)

این یک نکته خوبی هست برای کسانی که کار علمی می‌خواهند بکنند. آیه می‌گوید توقف بکن نسبت به چیزی که علم نداری! اصلاً حرف نزن! ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾، چیزی که علم نداری ورود پیدا نکن!

الان ببینید یک سری مشکلات ما در جامعه این است که طرف هر تخصصی که دارد به خودش اجازه می‌دهد که در رشته‌ها و مسائل دیگر اظهار نظر کند! حالا تا بعضی مواردش گاهی اوقات در این مسائل عملیش خوب است. من مثلاً خارج از کشور که بودم می‌دیدم جمعی از این خانواده‌هایی که آن‌جا بودند شهروند آن‌جا بودند، می‌دیدم که مثلاً لوله دست‌شویی‌اش به مشکل می‌خورد این‌طوری نبود دست به آچار شود لوله را درست کند! چون ما ایرانی‌ها در همه چیز دست به آچار می‌زنیم داغونش می‌کنیم بعد یک نفر را می‌آوریم می‌گوییم آقا شیرش را عوض کن! او با خودش حساب می‌کرد می‌گفت فرضاً من این شیر دست‌شویی‌ام و این سیفونش را بخواهم درست کنم، ۲۰ دقیقه وقتم را می‌گیرد. پس بهتر است من ۲۰ دقیقه روی تخصص خودم وقت بگذارم! بیشتر از او درمی‌آورم! کسی دیگر هم

نانش می خورد! کار هم سریع تر پیش می رود! خرابکاری هم نمی کنم! لذا ورود نسبت به تخصص خودشان داشتند. حالا اگر بلد بود و وقتش هم داشت، کار را انجام می داد، وگرنه فقط در همان چیزی که تخصص داشت ورود پیدا می کرد. حالا ببینید مثلاً طرف فرض بکنید که عطاری دارد، در پزشکی دخالت می کند! اصلاً نسخه می دهد!

نمونه هایی دیدیم که یک نفری بوده که مثلاً عطار بوده هر بیماری که به او رجوع کند یک چیزی می دهد یک خار و خاشاکی به او می دهد! در صورتی که ما می بینیم که در ارتباط با ساینس (Science)، طرف مثلاً تخصص دارد، تخصص قلب داره، تخصص گوارش دارد، فوق تخصص گوارش دارد، هر کدام این تخصص ها، اما یک نفر که عطاری دارد در هر موردی که شما هر جای بدن و امعاء و احشاء و بالاخره روح و روان و جسم مشکلی داشته باشد یک چیزی برای شما دارد، بعد مشکل درست می کند! مشکل سر این است که در این چیزی که نمی دانی، تجویز می کنی!

در یک کتابی می خواندم نوشته بود که ادیسون یک خدمت کرد یک خیانت کرد! ادیسون باعث شد که بحث برق را حل بکند، این خودش خیلی مهم بود. اما می گفتند این می آمد به خاطر اینکه شهیر بود در مسائل اعتقادی هم نظر می داد! با اینکه علمش را نداشت کار نکرده بود! مثلاً می گفت به نظر من این طوری هست! و خیلی ها را در این جهت به انحراف کشید!

شما اگر رشته‌ات فیزیک هست، در مورد فیزیک صحبت کن! شما شیمی هست شیمی صحبت کن! شمایی که شیمی خواندی، حق نداری در مورد فلسفه‌ای که نخواندی اظهار نظر بکنی! همچنان که آن آقای که فلسفه خوانده، حق ندارد در مورد شیمی اظهار نظر کند!

چند سال قبل می‌گفتند مسئول یک قسمت از یک رشته‌ای را یک روحانی کرده بودند در رابطه با کشتی! ایشان مسئولیت داشته رئیس فلان جا برای کشتی! آقا شما اصلاً در کشتی کار کردی؟! در کشتی کار نکردی! یک سری مسائل مدیریتی هست! حداقل باید یک نفری باشد دستی در این زمینه داشته باشد؛ همچنان که اگر یک کشتی‌گیر را بکنند استاد حوزه، خنده‌دار نیست؟! یک روحانی هم بکنند رئیس فدراسیون کشتی، این هم خنده‌دار است! دلیل بر این نمی‌شود که حالا مثلاً طرف درس دین خوانده، در قسمت‌های مدیریتی مختلف که تخصص ندارد، بخواهد ورود پیدا بکند!

بله اگر چنانچه شما درس دین خواندی مدیریت هم خواندی، یک پستی هم قبول می‌کنی، موردی ندارد. اینکه عرض می‌کنم یک نسخه‌ای هست که باید کلاً هر کس، هر طیفی عمل کنند. ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾. این جا می‌گوید حالا اگر در چیزی علم نداری ﴿وَلَا تَقْفُ﴾، توقف بکن، که اگر توقف نکنی چه می‌شود؟!

﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾؛ نسبت به تمام این چشم و گوش و قلب و مغز و عقل و تمام جهات، مسئولیت داری!

تو نسبت به یک کلامی که از دهانت خارج می‌شود مسئولیت داری اگر تخصص نداشته باشی ولو آدم خوبی باشی! ممکن است آدم خوبی باشی چون تخصص نداشته باشی ضربه می‌زنی! یک آدم باتقوا اگر یک نسخه پزشکی را تجویز بکند که تخصص نداشته ولو حال آن فرد هم خوب بکند از مرگ هم نجات بدهد، باز هم خیانت کرده است!

یک کتابی مطالعه می‌کردم زندگی‌نامه یک ایرانی بود. می‌گفت که ما توی اقیانوسی بودیم یک همسفری داشتیم این همسفر ما انگلیسی بود، با همدیگر صحبت می‌کردیم گفت من سرم درد می‌کند. گفتم که من داروی شما را دارم. او به زعم اینکه من پزشک هستم یک کدئین دادم خورد سردردش خوب شد. بعد که خوب شد از من سؤال کرد شما مطب‌تان کجاست؟ در چه قسمت پزشکی هستید؟! گفتم من پزشک نیستم! من بنا به تجربه این‌گونه سردردها، گفتم یک کدئین بخورید. می‌گفت وقتی از کشتی پیاده شدیم به پلیس رفت گفت و ما را دستگیر کردند! با اینکه من سردردش را خوب کردم! گفتم من دوست تو هستم این کار را می‌کنم که سری بعد این کار را نکنی! ممکن است من بیماری‌ای داشته باشم و این به تعبیری کدئین برای همه جواب بدهد با آن بیماری من نسازد و یک نفر را به کشتن بدهد! تو حق نداری چنین چیزی را تجویز بکنی!